

## آزاد نشدن زندانیانی که باید آزاد شوند

- حق حیات مساله اصلی
- لغو حکم اعدام برای محکومین به مواد مخدر؛ وعده یا حرف
- شصت و ششمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر
- چهار زندانی کرد زیر تیغ اعدام

**- اجرای مواد ۱۳۲ و ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی جدید؛  
گامی موثر در کاهش آمار زندانیان سیاسی**



## • سرمقاله

## حق حیات مساله اصلی

دهم دسامبر ۱۹۴۸ میلادی، یعنی ۶۶ سال پیش، اعلامیه جهانی حقوق بشر در مجمع عمومی سازمان ملل با ۴۸ رای مثبت به تصویب رسید. ایران، عراق، افغانستان، انگلیس، نروژ، سوئد و ایالات متحده آمریکا از جمله کشورهایی بودند که به این اعلامیه رای مثبت دادند. این اعلامیه برای اولین بار حقوقی را که همه انسان‌ها مستحق آن هستند را به رسمیت می‌شناسد. توافق و فهم مشترک در مورد حقوق بنیادین انسان بین کشورهای مختلف با فرهنگ، زبان و مذاهب مختلف از دیگر ویژگی‌های مهم این اعلامیه است. و اما حقوقی که این اعلامیه بر آن‌ها تاکید می‌کند شامل نکاتی از این قبیل می‌شود: حق زندگی و آزادی فردی برای همه، برابری بدون قید و شرط همه انسان‌ها، نفی تبعیض بر اساس جنسیت، مذهب، نژاد، رنگ، زبان، عقیده سیاسی و هر گونه عقیده دیگر، جایگاه اجتماعی و غیره، حق آزادی و تعیین سرنوشت برای همه، نفی هرگونه رفتار غیر انسانی، آزار، بد رفتاری و شکنجه، نفی بازداشت خودسرانه، حق دادرسی عادلانه، برابری در مقابل قانون و...

امروز شاید بر همگان آشکار باشد که در کشور ما که ۶۶ سال پیش به تصویب این اعلامیه رای مثبت داد، روزانه بیشتر مواد اعلامیه، اگر نه همگی آنها، نقض می‌شوند. هدف از نوشتن این یادداشت پرداختن به تمامی موارد نقض حقوق بشر در ایران نیست، بلکه نگاهی کوتاه به یکی از پایه‌ای‌ترین حقوق انسان یعنی «حق حیات» در سالی که گذشت می‌پردازیم و بطور مختصر راه و کارهای ممکن برای بهبود وضعیت را بررسی می‌کنیم. در یک سال گذشته به طور متوسط روزانه حق حیات دو انسان توسط مجریان قانون ایران از طریق احکام اعدام سلب شده است. این آمار حتی در کشوری چون ایران که سال‌ها در صدر کشورهای اعدام‌کننده جهان بوده در ۲۰ سال گذشته بوده‌اند، کم سابقه است. تعداد قابل توجهی از این افراد در ملاعام در مقابل انظار مردم عادی از جمله کودکان به دار آویخته شده‌اند. شیوه به دار آویختن که منجر به مرگ از

طریق خفگی که قربانی چندین دقیقه با مرگ دست و پنجه نرم می‌کند، نیز به عنوان شیوه‌ای غیر انسانی و بیرحمانه مورد توجه عموم قرار گرفته است. در سال ۲۰۱۴ میلادی دستکم ۱۳ نفر هنگام ارتکاب جرمی که بر اساس آن به مجازات مرگ محکوم شدند، سنشان زیر ۱۸ سال بود و از نظر قوانین بین‌المللی که ایران به آن‌ها پایبند است عملی غیر قانونی محسوب می‌شود. بسیاری از کسانی که در ایران اعدام می‌شوند اتهامشان غیر خشونت‌آمیز بوده و بر اساس قوانین بین‌الملل جزو «جدیترین» جرایم محسوب نمی‌شوند. برخی از این افراد به دلایل سیاسی مثل زندانیان سیاسی کرد، شیرکو معارفی و حبیب‌الله گلپری پور، غلامرضا خسروی، به اتهام ارتباط با سازمان مجاهدین خلق، فعالین عرب اهوازی، هادی راشدیان و هاشم شعبانی، زندانی عقیدتی مثل مهدی امیر اصلانی و تعداد بیشتری که بزرگترین گروه را تشکیل می‌دهند به دلایل جرایم مربوط به مواد مخدر اعدام شده‌اند. گزارش‌های متعددی مبنی بر دادرسی غیر عادلانه، استفاده از شکنجه برای گرفتن اعتراف، نداشتن دسترسی به وکیل مدافع در مورد این زندانیان وجود دارند.

با این وجود در یک سال گذشته مبارزه مدنی برای احیای کرامت انسانی و مبارزه با مجازات مرگ بیش از هر زمان دیگری بوده است. تشکیل کمپین لغو گام به گام اعدام (لگام)، گروه‌های مدنی که برای گرفتن رضایت خانواده‌ها رایزنی می‌کنند و به ویژه تلاش‌های خانواده‌های کسانی که به مجازات اعدام محکوم شده‌اند، جزو تاثیرگذارترین فعالیت‌های مدنی هستند. نقش مادر ریحانه جباری در کمپین نجات ریحانه و واکنش جهانی به اعدام وی، انکار ناپذیر است. به دلیل این فعالیت‌ها مساله اعدام به یکی از مهمترین مسائلی تبدیل گشته که مسئولین حکومت ایران در هر کجای دنیا که باشند باید در قبال آن پاسخگو باشند. به طوری که سخنگوی کمیسیون حقوق بشر حکومت ایران، جواد لاریجانی، در مصاحبه‌ای با یکی از مطبوعات اروپایی اظهار داشته است که حکومت ایران در حال بررسی تغییر قانون برای برداشتن مجازات اعدام برای جرایم مربوط به مواد مخدر است. اینکه این گفته آقای لاریجانی صرفاً استفاده خارجی دارد، و یا اینکه واقعا چنین بحثی در درون نظام مطرح است در حال حاضر مشخص نیست. ولی این صحبت‌ها مشخصا این امکان را به تمامی خانواده‌ها و وکلای کسانی که به اتهام جرایم مربوط به مواد مخدر در انتظار اعدام به سر می‌برند، می‌دهد که خواستار توقف اجرای احکام اعدام تا بررسی و تغییر قانون شوند. در حال حاضر هزاران نفر با اتهامات مربوط به مواد مخدر در صف اعدام به سر می‌برند و تغییر این قانون می‌تواند یکی از موثرترین گام‌ها در راستای لغو این مجازات غیر انسانی باشد.

### لغو حکم اعدام برای محکومین به مواد مخدر؛

## وعده یا حرف

میزان قاچاق مواد مخدر در این کشور» دانست و گفت: «۸۰ درصد مبارزه با قاچاق مواد مخدر در ایران صورت می‌گیرد و به همین دلیل اعدام‌های مربوط به قاچاقچیان هم در ایران بالاتر از جاهای دیگر است.» سران جمهوری اسلامی ایران، با استناد به قانون جدید مجازات اسلامی، سعی دارند تا به ظاهر نشان دهند که گامی در جهت بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران بر داشته‌اند در حالی که در قانون مجازات اسلامی جدید همچنان مجازات سنگسار، اعدام و قصاص وجود دارد. شهادت زنان نصف شهادت مردان است و موارد بیشمار دیگری در این قانون به چشم می‌خورد که مصداق بارز نقض حقوق بشر است. نخستین قانون جزایی در جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۱

به میان آمده است. هر سال در ایران تعداد زیادی از شهروندان با جرایم و اتهام‌های مختلف در حالی با حکم اعدام روبه‌رو میشوند که سران جمهوری اسلامی ایران؛ از جمله حجت‌الاسلام صادقی معاون فرهنگی قوه قضائیه در روز جمعه ۳۱ اکتبر، ۹ آبان در ژنو و در دومین اجلاس بررسی دوره‌های وضعیت حقوق بشر کشورها که هر چهار سال یک بار از سوی شورای حقوق بشر سازمان ملل برگزار می‌شود، قصاص را جزو حقوق بشر دانست و گفت: «حق قصاص، یکی از حقوق بشر است و دولت حق ندارد ولی دم را از آن محروم کند.» جواد لاریجانی، دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه، در دومین اجلاس بررسی دوره ای وضعیت حقوق بشر کشورها تعداد زیاد اعدام‌ها در ایران را «بالا بودن



• شیدای جهان‌بین

بحث در مورد صدور حکم اعدام و اجرای این حکم در ایران؛ بحثی است که همیشه از آن در گزارش‌های مربوط به نقض حقوق بشر در ایران به تفصیل سخن

تصویب شد و در سالهای بعد تغییراتی در آن راه یافت. قانون جدید بر مبنای لایحه‌های شکل گرفته که قوه قضاییه در سال ۸۶ تنظیم کرد و پس از تصویب دولت به مجلس فرستاده شد. قانون جدید مجازات اسلامی که شامل «کلیات، حدود، قصاص و دیات» میشود ابتدا در مجلس تصویب شد و پس از رفع ایرادهای شورای نگهبان سرانجام در دی ماه ۹۱ به تایید این شورا رسید. در این میان، محمد جواد لاریجانی دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه هفته گذشته در گفتگو با فرانس ۲۴ در مورد اعدام افرادی که با جرایم مواد مخدر بازداشت و زندانی میشوند، سخنانی به زبان آورد که عملی کردنش کمی عجیب به نظر می‌آید. سخنان او که توسط خبرگزاری دولتی میزان هم منتشر شد نوید تغییر قانونی میداد که به موجب آن افرادی که با جرایم مواد مخدر بازداشت میشوند، با حکم اعدام روبه رو نخواهند شد و به گفته او به این ترتیب، اگر مجلس شورای اسلامی موفق به تصویب این قانون در پارلمان موفق شود، «۸۰ درصد اعدامها» از بین خواهد رفت. لاریجانی که این خبر را «مهم» عنوان کرد، افزود: «هیچکس دوست ندارد که شمار اعدامها بالا باشد. این موضوع غم باری است که ما شاهد شمار زیاد اعدامهای مرتبط با جرایم مواد مخدر بر اساس قانون موجود هستیم.» از رویا کاشفی مسوول کمیته حقوق بشر انجمن پژوهشگران ایران و فعال حقوق بشر در مورد سخنان اخیر لاریجانی در مورد اعدام پرسیدم. او میگوید: «بر اساس تجربه‌ام به این حرفها اعتماد ندارم اما باید به تمامی کسانی که در این سالها از حق حیات دفاع کرده‌اند و علیه مجازات اعدام در ایران تلاش کردند تبریک بگویم که موفق شده‌اند با بالا بردن آگاهی عمومی در ایران و فشارهای بین المللی ایشان را وادار به گفتن چنین حرفهایی بکنند. در سال ۲۰۱۶ قرار است که بار دیگر لغو مجازات اعدام برای قاچاقچیان مواد مخدر به رای اعضای سازمان ملل متحد گذاشته بشود و از آنجایی که ایران مرتب برای بالارفتن اعدامها زیر فشار است به نظر من این استراتژی هوشمندانه‌ای است که ایشان در پیش گرفته‌اند.» سخنان اخیر لاریجانی در حالی ذکر شد که هنوز هیچ طرحی در این زمینه ارائه نشده و به گمان برخی از فعالان حقوق بشر این سخنان تنها به عنوان یک ژست بین المللی مطرح شده است. چرا که در دومین اجلاس بررسی دوره‌های وضعیت حقوق بشر کشورها در ژنو در اواخر ماه اکتبر، بیشترین پیشنهادات کشورهای دیگر، پس از شنیدن سخنان دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضاییه ایران، مربوط به موضوعاتی چون اعدام، اعدام کودکان زیر ۱۸ سال و اعدام در ملاعام بود و سازمانهای بین المللی و دولتهای غربی همواره از ایران بابت شمار بالای اعدام محکومان انتقاد میکنند. احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران نیز در گزارشهای خود به شمار بالای

اعدام در ایران اشاره کرده و از «افزایش هشداردهنده» اجرای حکم اعدام در ایران سخن گفته است. رویا کاشفی در مورد این که آیا حرفهایی که در مورد اعدام جرایم مربوط به مواد مخدر رد و بدل شده است، پشتوانه‌ی عملی هم دارد و یا فقط در حد حرف باقی مانده است میگوید: «باید به عملکرد حکومت اسلامی در این زمینه مراجعه کرد. پارسال در اجلاس وین و در مقابل اعتراضهای دیگر کشورها دولت جمهوری اسلامی با لغو اعدام برای جرایم مواد مخدر بار دیگر مخالفت کرد. مجمع تشخیص مصلحت نظام هم با مصوبه سه سال پیش امکان صدور احکام اعدام برای جرایم مواد مخدر را بیشتر کرده است. در این چند روز هم من نتوانستم طرح تازه‌ای در این رابطه پیدا کنم، بنابراین متاسفانه از جزئیات قانونی که ایشان غمبارانه از آن صحبت میکنند خبر ندارم. به جز حرف ایشان و چندین مصاحبه افراد دیگر چیزی که بشود قاطعانه به آن استناد کرد من حداقل پیدا نکردم و ایکاش که بود. حرفهای ایشان را باید در مسئولیت دفتری که نمایندگیاش را میکنند ارزیابی کرد و اینکه بعد از برخوردهای بسیار تند آقای متکی در سالهای گذشته در سازمان ملل متحد، آقای لاریجانی زبانی دیپلماتیکتر دارند و مسئولیت و وظیفه‌اش هم ارائه تصویر دیگری از ایران است در مقابل تمام گزارشهای محکوم کننده بینالمللی. این تلاش در حدی بود که در ارزیابی ادواری وضعیت و مکانیزم حقوق بشر در ایران که در اکتبر همین سال برگزار شد تصویری غیر واقعی از وضعیت حقوق بشر در ایران ارائه کردند که باعث خنده و سرگرمی و بی توجهی نمایندگان و مطبوعات حاضر در صحن شورای حقوق بشر بود.» این در حالی است که در هفته‌های گذشته مصطفی پورمحمدی، وزیر دادگستری ایران، با تاکید بر لزوم اجرای حکم اعدام برای جرایم مواد مخدری گفته بود: «نظر نهادهای حقوق بشری سازمان ملل را در این باره قبول نداریم. هم چنین وزیر کشور در اسفند ماه سال گذشته اعلام کرده بود که ایران در اجلاس اخیر وین با لغو اعدام قاچاقچیان مواد مخدر مخالفت کرده است.» از محمود امیری مقدم؛ فعال حقوق بشر ساکن در نروژ در مورد صحبت‌های اخیر لاریجانی در رابطه با تغییر قانون در مورد جرایم مربوط به مواد مخدر پرسیدم. او میگوید: «آقای لاریجانی بیشتر هم در مصاحبه با رسانه‌های انگلیسی زبان، سخنانی مشابه به حرفهای اخیرش را بیان کرده بود. اما در مورد آخر، از روزی که این سخنان را به زبان آورده؛ هیچ تلاشی از طرف حکومت در جهت پیشبرد این ادعا و کاهش اعدام مجرمان مواد مخدر صورت نگرفته است.» در سالهای اخیر نه تنها هیچ گونه تلاشی در جهت کاهش اعدامها در ایران صورت نگرفته است، بلکه با توجه به گزارشهای نهادهای ناظر و حقوق بشری، روند صدور احکام اعدام در ایران در یک

دهه گذشته رو به افزایش بوده و از ۹۹ مورد در سال ۲۰۰۴، به ۶۸۷ مورد در سال ۲۰۱۳ رسیده است. از طرفی دیگر، رویا کاشفی، فعال حقوق بشر ورود چنین مواردی در ادبیات سران جمهوری اسلامی را مثبت ارزیابی میکند و ادامه میدهد: «حالا مسئولیت سنگینتری بر دوش ما است تا به واقعیت پیوستن این حرفها را پافشاری و پیگیری کنیم. زمانی که این دیدگاه از زبان مسئولان کشور بیان میشود حد و مرز خط قرمز گزارشگری عقب میرود و فعالان و مدافعان حقوق بشر و مطبوعات میتوانند در این باره با نگرانی کمتر تحقیق و گزارش کنند و مسئولین را پاسخگو کنند. بنابراین به قول انگلیسیها توپ تو زمین ما است و باید بهترین و بیشترین استفاده مثبت را از آن کنیم.» محمود امیری مقدم، از روند رو به افزایش اعدام در ایران این گونه میگوید: «در ۱۰ روز اخیر، ۲۸ اعدام مربوط به مواد مخدر در ایران ثبت شده است که این رقم بالایی است. اگر این رقم را با کشوری مانند آمریکا که در طول سال، چهل حکم اعدام در آن اجرا میشود مقایسه کنیم، بیشتر به عمق فاجعه پی خواهیم برد.» این فعال حقوق بشر نیز عنوان میکند که در این روزهای اخیر، هیچ تلاشی برای ارایه طرحی در زمینه لغو اعدام جرایم مربوط به مواد مخدر در مجلس و یا قوه قضاییه، صورت نگرفته است و تا به امروز، عبارتهای محمد جواد لاریجانی در حد حرف باقی مانده است و این در حالی است که در تغییراتی که در چند سال اخیر صورت گرفته، تعداد مواردی که منجر به صدور حکم اعدام برای جرایم مربوط به مواد مخدر میشود را هم افزایش دادند. امیری مقدم تعداد اجرای حکم اعدام در سال ۲۰۱۴ در ایران را بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ مورد ذکر میکند و از این سال به عنوان یکی از سالهای پر اعدام نام میبرد و اختلاف صد موردی این آمار را ناشی از موارد غیررسمی گزارش شده در خصوص اجرای حکم اعدام میداند که در برخی موارد به تایید نرسیده اما گزارش شده است. با این وجود، در حالی که ایران یکی از سالهای سیاه خود را در زمینه اعدام و به خصوص اعدام محکومان جرایم مربوط به مواد مخدر پشت سر میگذارد، امید فعالان حقوق بشر این است که واژه‌هایی که محمد جواد لاریجانی در مصاحبه اخیر خود در مورد اعدام و تغییر قانون در مورد جرایم مربوط به مواد مخدر به کار برده است، جامه عمل به خود ببوشاند. هم اکنون، فعالان حقوق بشر و خانواده‌های محکومان به اعدام در زمینه جرایم مواد مخدر و وکلای آنها می توانند نقش مهمی در پیشبرد ادعاهای جدید لاریجانی داشته باشند و در ملاقاتها و مصاحبه‌ها و دادگاهها، در مورد روند سخنانی که در مورد اعدام ذکر شده است پرس و جو کنند تا شاید مسئولان نیز این مورد را در دستور کار خود قرار دهند.

## شصت و ششمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر



● رویا کاشفی\*

**۱** سال، سال ۱۹۴۵ و پایان جنگ جهانی دوم؛  
**۲** نیاز بوجود آوردن آرامش و صلح و فرصتی برای نفس کشیدن؛  
**۳** عزم و اراده بوجود آوردن دنیایی بهتر برای آینده و تکرار نکردن تجربه‌های گذشته؛  
**۴** نهادهای بوجود می‌آید که عزم و اراده اش احترام به کرامت انسانی و برچیدن هرگونه تبعیض بود...

در مقدمه منشور سازمان ملل متحد دلایل اعلام وجودش این چنین اعلام می‌شود: «محموظ داشتن نسلهای آینده از بلای جنگ» و «ایمان به حقوق اساسی بشر و به حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و به تساوی حقوق مرد و زن». بند اول این منشور از پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز سخن می‌گوید و بحث حقوق بشر در بند ۵۵ بدین ترتیب، «احترام جهانی و موثر حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس و زبان یا مذهب» تکرار می‌شود؛ در بند ۵۶ کلیه اعضا متعهد می‌شوند که برای نیل به مقاصد مذکور در ماده ۵۵ در همکاری با سازمان ملل متحد اقدامات فردی یا دسته جمعی معمول دارند. پس از سه سال تلاش برای منشور حقوق بشری جهانشمول، اعلامیه جهانی حقوق بشر و ۳۰ ماده‌اش بوجود می‌آید. اعلامیه‌ای جهانی که برای اولین بار با توافق تمامی کشورهای عضو سازمان ملل آن روز حقوق اساسی، پایه‌ای و بنیادی بشر را شناسایی می‌کند و منشا ایده‌آل‌ها و مرجع قوانین کشورها می‌شود. اما فراموش نباید کرد که کرامت انسان و برابر بودن انسان‌ها، به عناوین مختلف، در تمامی تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و ادیان و مذاهب بیان شده و ۳۰ ماده اعلامیه جهانی حقوق بشر تلاش

از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی و یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه ذکر شده است بهره مند شود». میثاق‌های دیگر هم که حکومت شاهنشاهی امضا کننده آنان بوده و جمهوری اسلامی هم تعهد خود را نسبت به آنان رد نکرده این اصل برابری و آزادی را تکرار کرده‌اند. بر اساس همین میثاق‌ها کشورها موظف هستند به کمیته‌های مربوط و نهادهای ناظر بین المللی گزارش بدهند. بنابراین امضا نکردن کنوانسیون‌های تماتیکی که بعدها تصویب شده‌اند و به صورت خاص به یکی از این حقوق پرداخته‌اند مسئولیت کشورها را از بین نمی‌برد و آن‌ها همچنان موظف به رعایت و اجرای تعهدات بین المللی هستند، باید گزارش بدهند و مورد ارزیابی قرار گیرند. دولت‌هایی مثل جمهوری اسلامی با استناد به بند ۲(۷) منشور سازمان ملل متحد ارزیابی و نظارت نهادهای بین المللی را دخالت در امور داخلی خود معرفی می‌کنند. اما در سال ۱۹۹۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد با اتفاق آرا رای داد که «جامعه بین المللی دیگر نمی‌تواند بپذیرد که پیشبرد اهداف حقوق اساسی بشری در چارچوب مرزهای ملی محدود شوند» و این نظر در بند ۴ اعلامیه حقوق بشر وین و برنامه عمل در سال ۱۹۹۳ تکرار شد و گفته شد که «ارتقاء و حفاظت از حقوق بشر نگرانی مشروع جامعه بین المللی است». بعد از همکاری نکردن یا همکاری ناقص کردن با سازمان ملل و زیر مجموعه‌هایش مثل شورای حقوق بشر و محکومیت‌های مکرر برای نقض حقوق بشر حکومت جمهوری اسلامی وارد بازی استراتژیک بین المللی خود شده است. حضور پیدا می‌کند و به ظاهر گزارش می‌دهد. جمهوری اسلامی با مطرح کردن گوناگونی و تفاوت فرهنگی از پیوستن به چندین میثاق خودداری و تلاش به توجیح نقض حقوق اساسی انسانی ما مردم می‌کند. اسلامی بودن قوانین در ایران را دلیل شرط گذاشتن به روی میثاق حقوق کودک معرفی می‌کند و به اعدام اطفال (افراد زیر ۱۸ سال بر اساس میثاق حقوق کودک) ادامه می‌دهد. قوانین تبعیض آمیز علیه زنان و گروه‌های دینی و مذهبی به جای خود باقی می‌مانند چون اصلاح آنان با تعبیری که فقهای شورای نگهبان از شرع اسلام دارند متضاد است. آزادی عقیده و بیان که در خود قانون اساسی هم ذکر شده پامال می‌شود چون این آزادی عقیده و بیان مشروط به رعایت شئون مذهبی و مخل نبودن به مبانی اسلام است. ماده ۶ قانون مطبوعات نمونه خوبی

در پیدا کردن مخرج مشترک تمامی آنان بود. ۱۸ سال طول می‌کشید تا دو میثاق بین المللی حقوق مدنی سیاسی و حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی این ایده‌آل‌ها را تبدیل به قانون و استاندارد بین المللی می‌کند و بار دیگر تمامی اعضای سازمان ملل آن روز (۱۶ دسامبر ۱۹۶۶) با توافق کامل آن‌ها را امضا و تصویب می‌کنند و متعهد می‌شوند که بند بند این دو میثاق را وارد قوانین داخلی کشور خود کنند. کشور ما، ایران، نیز هم در تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر فعال و موثر بود و هم پیش قدم در امضا و تصویب دو میثاق بین المللی که در سال ۱۳۴۷ امضا و در ۱۳۵۱ به تصویب مجلس شورای ملی رسیدند. ۶۶ سال از تولد اعلامیه جهانی حقوق بشر و ثبت ایده‌آل‌ها می‌گذرد امروز کجا هستیم؟ بدون تردید جامعه بشریت به سوی ایده‌آل «برابری بدون هیچ‌گونه تبعیض و احترام برای حیثیت و ارزش شخصیت انسانی» در حال حرکت است اما هیچ کشوری نمی‌تواند ادعا کند که در قانون و عمل به صورت کامل به آن‌ها دست یافته است. کشور ما هم در همین راه پیشرفت و عقب‌گردهای فراوانی داشته است. در این سال‌ها هفت میثاق بین المللی دیگر تدوین و تصویب شده است که ایران امضا کننده سه میثاق از آنان است: «رفع هرگونه تبعیض نژادی» که قبل از انقلاب تدوین و امضا شده بود و «حقوق کودک» و «حقوق افراد داری معلولیت» که بعد از انقلاب تدوین و حکومت جمهوری اسلامی آنان را امضا کرده است. میثاق‌های امضا نشده شامل «رفع هرگونه تبعیض از زنان» (۱۸ دسامبر ۱۹۷۹-۲۸ آذر ۱۳۵۸) و «منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز» (۱۰ دسامبر ۱۹۸۴، ۱۹ آذر ۱۳۶۳) هستند. اولین جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر از «شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان» سخن می‌گوید. چند سطر بعد تعهد امضا شده در منشور سازمان ملل متحد را یادآوری می‌کند که «مردم ملل متحد ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن» را اعلام کرده‌اند. در بند اول تاکید می‌کند که انسان آزاد بدنیا می‌آید و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند و برای آن که جای هیچ‌گونه شبهه‌ای باقی نماند در بند دوم توضیح می‌دهد که «هر کس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تبعیض مخصوصا

اجرای مواد ۱۳۴ و ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی جدید:

## گامی موثر در کاهش آمار زندانیان



● نقی محمودی

نکند، تعیین می‌نماید. در هر یک از موارد فوق فقط مجازات اشد قابل اجراء است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل یا غیرقابل اجراء شود، مجازات اشد بعدی اجراء می‌شود. در هر مورد که مجازات فاقد حداقل و حداکثر باشد، اگر جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد تا یک‌چهارم و اگر جرائم ارتكابی بیش از سه جرم باشد تا نصف مجازات مقرر قانونی به اصل آن اضافه می‌شود. تبصره ۱- در صورتی که از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود، طبق مقررات فوق عمل می‌شود. تبصره ۲- در صورتی که مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم، اعمال نمی‌شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شود. تبصره ۳- در تعدد جرم در صورت وجود جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را تا میانگین حداقل و حداکثر باشد تا نصف آن تقلیل دهد. تبصره ۴- مقررات تعدد جرم در مورد جرائم تعزیری درجه‌های هفت و هشت اجراء نمی‌شود. این مجازات‌ها با هم و نیز با مجازات‌های تعزیری درجه یک تا شش جمع می‌شود. در این ماده مقررات تعدد جرم مقرر شده است. این ماده مختص تعدد مادی است و حکم تعدد معنوی در ماده ۱۳۱ بیان شده است و البته برخی مصادیق تعدد معنوی در قانون قدیم هم در این ماده از مصادیق تعدد مادی لحاظ شده است. چرا که تبصره یک این ماده بیان می‌دارد: در صورتی که رفتار مجرمانه واحد نتایج متعدد حاصل شود طبق مقررات فوق عمل می‌شود. فعل واحد دارای نتایج متعدد بر اساس نظر حقوق دانان و آراء دیوان عالی کشور تعدد معنوی محسوب می‌شود. به عنوان مثال طبق رای دیوان عالی کشور در صورتی که مردی با ترک انفاق

قانون مجازات اسلامی جدید، پس از بحث و فحص در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی و اول اردیبهشت ماه نود و دو تصویب و در تاریخ یازدهم اردیبهشت همان سال به تایید شورای نگهبان رسید ه است. این قانون نیز طبق هر قانون دیگری بعد از تایید شورای نگهبان، از طریق روزنامه رسمی منتشر و پانزده روز پس از انتشار لازم الاجرا شده است. مواد ۱۳۴ و ۲۷۹ این قانون که موضوع بررسی در این نوشتار هستند از موادی محسوب می‌شوند که می‌توان آنها را نسبت به قانون سابق «مساعد به حال متهمین و محکومین» محسوب کرد. سیاق انشایی ماده ی ۱۳۴ قانون مذکور به صورتی انشاء شده که در صورت اجراء صحیح آن، زندانیان زیادی با استفاده از مواد مذکور از حبس آزاد می‌شوند. حتی در زمان صدور حکم توسط قاضی نیز با استناد به این مواد احکام حبس کوتاه تری صادر خواهد شد. همچنین مقررات ماده ی ۲۷۹ نیز با توجه به تعریف محارب و حدود و ثغور جرم محاربه که عنوانی مقتبس از فقه است شرایط سخت تری را برای اثبات جرم محاربه تعیین کرده است. بدوا ضروری می‌نماید متن مواد مذکور به تفکیک آورده شده سپس به تفسیر و بررسی آنها بپردازیم. ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی: در جرائم موجب تعزیر هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه برای هر یک از آن جرائم حداکثر مجازات مقرر را حکم می‌کند و هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی مشروط به اینکه از حداکثر به اضافه نصف آن تجاوز

از این محدود کردن آزادی عقیده و بیان است که کاملاً با روحیه «آزادی» تضمین شده در تمامی قراردادهای و میثاق‌های بین المللی در تضاد است. بارها و بارها در متون حقوق بشری بین المللی ذکر شده که سنت، تفاوت فرهنگی و یا دین و مذهب نمی‌توانند دلیل و بهانه برای نقض حقوق اساسی انسانی باشند و به هیچ عنوان قابل قبول نیستند. اما در کشور ما نه تنها قوانینی که تبعیض را نهادینه کرده و خشونت را ترویج می‌کنند (به مانند شلاق، سنگسار، قصاص عضو و اعدام در ملاعام) اجرا می‌شود بلکه مسئولان حکومتی در مجامع بین المللی از عملکرد خود دفاع می‌کنند و از جامعه بین المللی می‌خواهند که در امور داخلی ایران دخالت نکنند و احترام به تفاوت دینی و مذهبی قوانین بگذارند. تلاش مدافعان حقوق بشر به منظور احترام گذاشتن به فرهنگ نیست بلکه به از میان برداشتن اجراء سنتهای مضر و قدم گذاشتن در راه پیشرفت و توسعه پایدار کشورمان میباشد. به عنوان مثال، اگر با نقش سنتی مردان و زنان در جامعه و خانواده و قوانین تبعیض آمیزی که نیمی از جمعیت را هدف گرفته است مبارزه میکنیم به منظور توهین و یا رد فرهنگ «خانواده» نیست بلکه بر اساس اصل قابل قبول نبودن تبعیض و برای پیشبرد تساوی حقوق زنان و مردان و با اعتقاد بر اینکه پیشرفت و توسعه کشورمان مستلزم شرکت یکپارچه زنان در تمام زمینه‌ها در شرایط مساوی با مردان است، حرکت میکنیم. در این راستا لایحه‌ها، طرح‌ها و قوانینی که اشتغال زنان و یا حتی مردان مجرد را محدود می‌کند قابل قبول نیست. طرح‌ها، لایحه و قوانینی که حق کنترل زن بر روی بدن خویش را از او می‌گیرد قابل قبول نیست و سلامت جسمانی و روانی نیمی از جمعیت را نشانه گرفته است. قابل قبول نیست که با استناد به تعلیمات دینی لایحه یا فتوا یا سخنرانی اجازه اسید پاشی و چاقو زدن به زنان داده شود. نباید فراموش کرد که در این حالت نه تنها مجرم بلکه قانون گذار و مراجع دینی حامی چنین عملکردی با هم در ارتكاب جرم شریک هستند. بنابراین با جشن گرفتن سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر و پافشاری بر حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان، برای بهبود وضعیت حقوق بشر در کشورمان تلاش می‌کنیم و با امید قدم بر می‌داریم.

\*سرپرست کمیته حقوق بشر انجمن پژوهشگران ایران



**کانون نویسندگان ایران** با انتشار بیانیه‌ای خواستار لغو حکم اعدام و آزادی سهیل عربی شد که در به اتهام نوشتن مطالبی در فیس‌بوک به اعدام محکوم شده است. کانون نویسندگان ایران در این بیانیه نوشته است که «وبلاگ نویس جوان سهیل عربی به اتهام انتشار دیدگاهش در صفحه‌ی فیس‌بوک به شلاق، زندان و اعدام محکوم شده است. اگر چه در پی گسترش اعتراض‌ها اخیراً بنا شده

است حکم از سوی دیوان عالی کشور بار دیگر مورد بازبینی قرار گیرد، اما این نکته ذره‌ای از واقعیت پایمال شدن حق آزادی بیان سهیل عربی نمی‌کاهد. هر انسانی حق دارد نظر و عقیده‌ی خود را در باره‌ی هر چیز به هر شکل که می‌خواهد بیان کند. دستگیری و بازداشت سهیل عربی نقض آشکار حق اولیه‌ی او، حق آزادی بیان، است. صدور این قبیل احکام نه تنها علیه فرد محکوم شده بلکه علیه جامعه نیز هست؛ زیرا رویکردی جز ایجاد هراس و خودسانسوری میان مردم ندارد. کانون نویسندگان ایران بدون داور در باره‌ی درست و نادرست، یا خوب و بد نوشته‌های سهیل عربی صرفاً از حق آزادی بیان بی‌هیچ حصر و استثناء او و دیگر انسان‌ها دفاع می‌کند. پاسخ کلام با کلام است نه با شلاق و زندان و اعدام. کانون نویسندگان ایران خواستار لغو حکم اعدام سهیل عربی و آزادی فوری او است.»



**مهدی کروبی** از رهبران معترضان به انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، از علی مطهری نماینده تهران در مجلس ایران خواسته است تا از

جنب وی، پی‌گیر محاکمه آقای کروبی در یک دادگاه علنی باشد. خانواده کروبی، با انتشار نامه‌ای سرگشاده در سایت سخام نیوز این درخواست را مطرح کردند. در قسمتی از این نامه نوشته شده است که «آقای مهدی کروبی در آخرین دیدار اعضای خانواده برابر با چهارشنبه پنجم آذرماه ۱۳۹۳ ضمن انتقادی صریح و شفاف از بی‌مسئولیتی مقامات عالی در نقض صریح قوانین اساسی و عادی کشور، از جنابعالی خواستند به طرفیت از ایشان پیگیر حق دادرسی شان و فراهم ساختن مقدمات لازم در جهت برپایی دادگاهی علنی مطابق اصل ۱۶۸ قانون اساسی باشید تا ضمن استماع کیفرخواست حاکمیت، دفاع و ادله خود را در کنار پاسخ به تهمت‌های یک‌طرفه دین فروشان در چند سال گذشته ارائه کنند.»

**سازمان گزارشگران بدون مرز** با انتشار بیانیه‌ای به تمديد بازداشت جیسون رضاییان روزنامه‌نگار ایرانی آمریکایی اعتراض کرد. این سازمان در قسمتی از این بیانیه آورده است که: «جیسون رضاییان هیچ جرمی مرتکب نشده است، او قربانی جنگ قدرت جناح‌های حاکم بر جمهوری اسلامی است. جامعه جهانی و به ویژه ایالات متحده آمریکا باید این سیاست همسان با گروگان‌گیری را محکوم کنند و مساله نقض حقوق بشر را در اولویت مذاکرات خود با جمهوری اسلامی قرار دهند. گزارش‌گران بدون مرز نگرانی جدی خود را از تفهیم اتهام جیسون رضاییان خبرنگار آمریکایی ایرانی تبار در تاریخ ۱۵ آذر ۱۳۹۳ اعلام می‌کند. گزارش‌گر واشنگتن پست در ایران از تاریخ ۳۰ تیرماه در بازداشت بسر می‌برد، به گفته خانواده‌اش حکم بازداشت موقت این روزنامه‌نگار دو ماه دیگر تمديد شده است و وکیل خانواده تاکنون اجازه نیافته است با موکل خود دیدار و یا به پرونده دسترسی پیدا کند. تا امروز اتهامات این روزنامه‌نگار از سوی دستگاه قضایی اعلام نشده است.»



کانون مدافعان حقوق بشر با گرامیداشت روز جهانی حقوق بشر - دهم دسامبر - از زهرا رهنورد، میر حسین موسوی و مهدی کروبی و همچنین دیگر زندانیان سیاسی و عقیدتی به عنوان قربانیان نقض حقوق بشر در ایران یاد کرد. این سازمان مدافع حقوق بشر در اطلاعیه‌ای که به همین مناسبت صادر کرده است از دولت ایران خواست تا تمام تلاش خود را به کار گیرد و به مطالبات مردم که بخشی از آنها رفع حصر و آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی است پاسخ قانع کننده دهد. در قسمتی از این بیانیه آمده است که «کانون مدافعان حقوق بشر با تاکید بر لزوم شکسته شدن حصر

خانم زهرا رهنورد و آقایان میر حسین موسوی و مهدی کروبی و آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی، خواهان بسط و گسترش زمینه‌های طرح آزادانه نظرها و تضمین امنیت برای صاحبان آرا و منتقدان و همچنین امنیت شهروندان در انجام فعالیت‌های مدنی است.»



**محمد جواد لاریجانی** دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه حرف‌های تازه‌ای مورد اعدام قاچاقچیان مواد مخدر در ایران زده است. وی در گفت‌وگو با خبرگزاری میزان گفت: «هیچکس دوست ندارد که شمار اعدام‌ها بالا باشد. این موضوع غمباری است که ما شاهد شمار زیاد اعدام‌های مرتبط با جرایم مواد مخدر بر اساس قانون موجود هستیم. ما در تلاشیم که این قانون را تغییر دهیم و اگر در تصویب این قانون در پارلمان موفق شویم آنگاه ۸۰ درصد اعدام‌ها از بین خواهد رفت و این می‌تواند خبر مهمی باشد.»



کمپین نامه نویسی به زندانیان سیاسی سازمان عفو بین الملل: سازمان عفو هر ساله به مناسبت ۱۰ دسامبر روز جهانی حقوق بشر کمپینی دارد به نام «نوشتن برای زندگی» در این کمپین هر ساله سازمان از مردم در کشورهای مختلف می‌خواهد که به زندانیان سیاسی و عقیدتی و دولت‌هایی آن‌ها نامه بنویسند و خواستار آزادی آن‌ها شوند. سازمان عفو بین الملل هر سال تعدادی از زندانیان را در کشورهای مختلف انتخاب کرده و با برگزاری همایش‌ها و نشست‌ها در مکان‌هایی که پیش بینی می‌کند از مردم می‌خواهد که در کنار هم این نامه را به زندانیان سیاسی بنویسند. رئیس‌بدوای از عربستان، بیو پینگ از چین، موسس آکاتوگایا از نیجریه، محمد الرکن از امارات، جرمی کوره از فیلیپین و دانیل کوئینترو و... از جمله زندانیان عقیدتی هستند که سازمان عفو بین الملل برای کمپین امسال خود انتخاب کرده است.

است که مرتکب حتما از اسلحه استفاده کرده باشد و موجب ایجاد نا امنی در محیط شده باشد. به تازگی وکلایی برای این چهار زندانی کرد اهل سنت تعیین شده است اما هیچ یک از آن ها موفق به دیدار و کلا نشده اند اما وکلای این زندانیان به شدت پیگیر موضوع قانون جدید و لغو حکم اعدام برای این زندانیان هستند اما تا کنون به موفقیتی دست پیدا نکرده اند.

اعتصاب غذا در دوره های مختلف تنها راه حل این چهار زندانی اهل سنت در اعتراض به شرایط ناعادلانه بی است که به سر می برند. اولین بار به همراه یک تن دیگر در دی ماه ۱۳۸۸ در بازداشتگاه اطلاعات سنندج در اعتراض به فشارها و نحوه نگهداری و بی گناهی خود دست به اعتصاب غذا زدند. بار دیگر در بهمن ماه همان سال حامد احمدی و حامد بی گناهی و اطاله دادرسی خود دست به اعتصاب غذا زد که تهدید به بازداشت و احضار همسر و فرزند نوزادش شد. در ۱۲ اسفند ماه ۱۳۹۱ اعتصاب غذای این چهار شهروند کرد ایرانی مدت ۲۶ روز به طول انجامید.

بار دیگر در آذر ماه ۱۳۹۲ این چهار زندانی کرد در زندان قزلحصار برای ۷۵ روز متوالی دست به اعتصاب غذا زدند و سرانجام در روز ۲۹ دیماه سال ۱۳۹۲ در پی قول مساعد رئیس زندان مینی بر انتقال آنان به رجایی شهر و نیز احتمال رسیدگی مجدد به پرونده آنان که محکوم به اعدام شده اند، به اعتصاب خود پایان دادند.

در طول دورانی که این چهار زندانی کرد اهل سنت در زندان قزلحصار به سر می بردند، بارها به شرایط بد واحد ۳ در قزلحصار اعتراض کردند و بارها از مسولین زندان خواستند که به دلیل وضعیت غیر بهداشتی و شرایط نامناسب زندان آنان را به رجایی شهر یا زندان دیگری منتقل کنند ولی این خواسته عملی نشد تا اینکه وضعیت وخیم آنان در پی اعتصاب غذای طولانی مدت، مسئولان را وادار کرد تا با انتقال این زندانیان به زندان رجایی شهر موافقت شود و آن ها هم اکنون در بند چهار؛ سالن ۱۰ زندان رجایی شهر به سر می برند.

در گفت و گویی که با نماینده زندانیان کرد سنی که به دلایل امنیتی مایل به ذکر نام خود نیست داشتیم عنوان شد که این چهار شهروند کرد سنی متعلق به هیچ گروه و حزبی نبودند و این در حالی است که مقامات سعی در متهم کردن این زندانیان به عضویت در گروه های سلفی منطقه دارند. اما هیچ نام مشخصی برای این گروه سلفی عنوان نمی کنند. یکی از خواسته های این زندانیان هم اکنون، انتقال به زندان سنندج است چرا که خانواده های این زندانیان هر بار هزینه ی زیادی را می پردازند تا برای ملاقات به زندان رجایی شهر کرج بیایند. به عقیده این زندانیان پرونده ی آن ها به شهر سنندج ربط دارد در حالی که آن ها در شعبه ۲۸ تهران دادگاهی می شوند و انتقال پرونده و متهمان به شهر سنندج می تواند کمک بزرگی به خانواده های آن ها باشد.

زندان قزلحصار، بند و اتاق اعدامی ها منتقل شدند. دو ماه بعد در تاریخ هفت دی ماه ۱۳۹۱ بعد از جمع کردن وسایل و وعده دادن به زندانیان برای انتقال به سنندج هر ۱۰ زندانی به سلول انفرادی برای اعدام منتقل شدند و شش نفر از این ۱۰ نفر به اتهام قاچاق مواد مخدر و تجاوز به عنف اعدام شدند.

اصغر رحیمی، بهنام رحیمی، هوشیار محمدی، کیوان زند کریمی، بهرام احمدی که زیر ۱۸ سال بود و محمد طاهر بهمنی شش شهروند کرد سنی هستند که با اتهام هایی چون قاچاق مواد مخدر و تجاوز به عنف در تاریخ هفت دی ماه ۱۳۹۱ در زندان قزلحصار اعدام شدند و هم اکنون چهار نفر دیگر از آن گروه ده نفره در بند چهار؛ سالن ۱۰ زندان رجایی شهر؛ به سر می برند.

از اولین اتهامات برادران دهقانی و کمال ملایی و حامد احمدی ترور شیخ الاسلام است که حدود یک — دو ماه پس از بازداشت آن ها و در شهریور ماه ۱۳۸۸ رخ داد. در این راستا پرس تی وی و شبکه خبر مستندی پخش کردند که این افراد در ترورها نقش داشتند اما چندی بعد اتهام قتل برای این افراد مطرح شد که حقیقت نداشت و تبرئه شدند اما اتهامی که هم اکنون متوجه این زندانیان است محاربه به واسطه اقدام علیه امنیت ملی عنوان شده است.

با توجه به تغییراتی که در قانون مجازات اسلامی صورت گرفته است، اگر ماده ۲۷۹ قانون مجازات جدید اسلامی اجرا شود بسیاری از متهمانی که به اتهام محاربه به اعدام محکوم شدند می توانند حکم اعدام شان بر اساس این قانون حذف شود و قضاتی که علیرغم تصویب قانون جدید، مواد آن را تاکنون اجرا نکرده اند، مرتکب تخلف شده و طبق قانون می توانند تعقیب قضایی شوند.

قانون مجازات اسلامی جدید در اول اردیبهشت ۱۳۹۲ در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس تصویب شد و در تاریخ ۱۱ اردیبهشت به تایید شورای نگهبان رسید. این قانون نیز طبق هر قانون دیگری بعد از تایید شورای نگهبان، از طریق روزنامه رسمی منتشر و ۱۵ روز پس از انتشار لازم الاجرا شده است.

پرونده این زندانیان کرد اهل سنت در تاریخ ۲۲ خرداد ۹۲ مختومه شد. بارها به بهانه های مختلف نظیر درخواست از این زندانیان برای نوشتن نامه عفو به آن ها اعلام کردند که حکم اعدام، ساختگی و فرمالیته است. این اعدام فقط به خاطر ایجاد رعب و وحشت بوده و خواسته ایم که یک پرونده ای را ببندیم و تمام بشود.

در حال حاضر زندانیان بسیاری هستند که بر اساس ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی سابق در انتظار اجرای حکم اعدام خود در زندان ها هستند در حالیکه بند الف ماده ۱۰ قانون جدید مجازات اسلامی قانون قدیم را لغو می کند. زیرا بند الف ماده ۱۰ قانون جدید می گوید: اگر رفتاری در گذشته جرم بوده و به موجب قانون جدید جرم شناخته نشده باشد، حکم قطعی اجرا نمی شود و اگر به مرحله اجرا هم رسیده باشد باید متوقف شود. از طرفی هم طبق ماده ۲۷۹ قانون مجازات جدید محاربه به جرمی گفته شده

## چهار زندانی کرد زیر تیغ اعدام



### ● زندانیان محکوم به اعدام ۱

جمشید و جهانگیر دهقانی، حامد احمدی و کمال ملایی چهار تن از ده شهروند کرد سنی هستند که در سال ۱۳۸۸؛ تقریباً دو ماه پیش از ترور ماموستا شیخ الاسلام روحانی کرد و عضو خبرگان رهبری بازداشت شدند. در ابتدا هیچ تفهیم اتهامی در مورد این زندانیان صورت نگرفت و به آن ها گفته شد که مدتی پس از پر کردن حدود سه یا چهار برگه آزاد می شوند.

این زندانیان پس از شکنجه و ضرب و شتم، برگه هایی که مورد نظر بازجویان بود را در اطلاعات سنندج پر کردند و تا تاریخ ۳۰ فروردین سال ۱۳۸۹ را در اطلاعات سنندج سپری کردند و پس از آن به اطلاعات همدان انتقال پیدا کردند و شش ماه پس از آن؛ در تاریخ ۲۳ مهر ۱۳۸۹ به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شدند.

به گفته این زندانیان اهل سنت؛ بازداشت آن ها و هم پرونده شدن آن ها در حالی رخ داده است که هیچ یک از این زندانیان، پیش از بازداشت همدیگر را نمی شناختند و در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران و نزد قاضی مقیسه متوجه می شوند که هم پرونده هستند. دادگاهی که حدود ۱۰ دقیقه به اتهام ۱۰ متهم بدون وکیل؛ در حالی که با دستبند و پابند در دادگاه حاضر شده بودند رسیدگی کرد.

به گزارش سایت مرکز حامیان حقوق بشر و به توصیف یکی از نزدیکان به پرونده؛ این ده زندانی را بعد از این که در یک دادگاه فرمالیته دادگاهی شدند، منتقل کردند به زندان رجایی شهر. آن هم در کثیف ترین اندرزگاه. چهار نفر را منتقل کردند به اندرزگاه پنج متادونی ها. آن شش نفر را هم منتقل کردند به اندرزگاه یک که در رجایی شهر به جنگل آمازون معروف است و در آن زندانیانی با جرم های خطرناک به سر می برند.

چندی بعد این زندانیان در تاریخ ۲۳ آبان ماه ۹۱ به

حکم مورد تایید دادستانی قرار گرفته و در نهایت به اجرای حکم ارسال شود. در این صورت زندان موظف به آزاد کردن زندانی ست.

از جمله دیگر زندانیانی که با تعدد حکم مواجه اند می توان به مریم شفیعی پور، مصطفی تاج زاده، محمد سیف زاده، عبدالفتاح سلطانی و مسعود باستانی اشاره کرد که با اجرای قانون جدید از محکومیت شان کاسته خواهد شد. زندانیانی نیز در زندان هستند که طبق این ماده جدید، همینک بیش از مدت محکومیت خود - بر اساس اشد مجازات - در زندان بوده اند. مریم شفیعی پور دانشجوی زندانی دیگری ست که حکم ۷ سال زندان او در دادگاه تجدیدنظر به ۴ سال کاهش یافت که یک سال آن به اتهام «تبلیغ علیه نظام» بوده و اشد مجازات است. این دانشجوی همچنین سه سال حکم برای اتهام «تانی علیه امنیت ملی» دریافت کرده اما اشد مجازات برای این اتهام ۵ سال است.

به گفته ی احمدیان وجود ابهامات باعث شده که قاضی عرب در دادگاه شعبه ۵۴ نتواند در مورد پرونده ی شفیعی پور تصمیم گیری کند: «اما در مورد مرضیه رسولی که بعد از سال ۹۲ یعنی پس از تصویب قانون مجازات اسلامی جدید، حکم دریافت کرده، یک سال محاسبه و بعد از آن هم آزاد شد». او معتقد است که این ممانعت بیشتر برای زندانیان سیاسی و عقیدتی صورت گرفته، خصوصا زندانیان جنبش سبز. مهناز محمدی، زندانی دیگری ست که احمدیان به اجرا شدن این حکم در قبال وی اشاره کرد.

محمد سیف زاده، وکیل زندانی در بند ۲۵۰ اوین است. او با اتهام های «تاسیس کانون مدافعان حقوق بشر» و «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به ۶ سال حبس محکوم شده اما به گفته ی علی، فرزند وی، ماده ۱۳۴ در مورد این زندانی نیز اعمال نشده.

علی سیف زاده به «حقوق ما» گفت که پدرش تمایلی برای اعاده ی دادرسی ندارد؛ «چرا که ایشان معتقد است امیدی به این سیستم قضایی نیست و کاری انجام نمی دهند. پرونده پدر من کماکان همان طوری ست که پیش تر بوده».

فرزند سیف زاده گفت که با توجه به تصویب قانون جدید، اجرای آن دیگر در دست اجرای حکم است: «این که چرا تا الان اعمال نشده می تواند هزار و یک داستان داشته باشد: از بالا دستور داده اند یا خودشان کارشکنی می کنند. از طرفی سیستم اداری ما بر اساس

بروکراسی کاغذ بازی ست. ممکن است به این دلیل طول کشیده باشد اما در شرایط فعلی این وظیفه ی اجرای حکم است که این ماده را اعمال کند و به پیگیری خانواده های زندانیان ربطی ندارد».

ادامه در صفحه بعد

و دکتر آخوندی جلساتی را برگزار می کرد که در آن دو قاضی و یک قاضی بازنشسته، خانواده های زندانیان را همراهی می کردند. ما در این جلسات برای پیگیری وضعیت زندانیان مان حضور داشتیم. مشخص شد که اجرای این قانون با ابهاماتی مواجه شده».

به گفته ی همسر بهاره هدایت، یکی از ابهامات مطرح شده، عطف به ما سبق بودن این قانون است: «ابهام دیگر اما در تعیین «اشد مجازات» است؛ به طوری که مشخص نشده آیا بالاترین حکم در مورد یک اتهام به عنوان اشد محاسبه می شود یا تعداد سال های محکومیت بیشتر، مورد منظور است. در مورد عطف به ما سبق بودن این قانون اکثر وکلا اتفاق نظر دارند که زندانیانی که پیش از تصویب قانون، حکم گرفته اند نیز مشمول اجرای قانون جدید می شوند».

به گفته ی احمدیان بهانه هایی که جلوی اجرای این حکم را گرفته، ابهاماتی ست که مطرح شده. بهاره هدایت، فعال دانشجویی که مدت ۵ سال را در زندان گذرانده از جمله زندانیان سیاسی ست که با تعدد حکم مواجه شده اما حکم اشد مجازات را برای اتهام «تانی علیه امنیت کشور» به مدت ۵ سال دریافت کرده. او به دلیل بیانیه ای که به همراه مجید توکلی در آذر ۸۹ منتشر کرد، ۶ ماه دیگر نیز حکم حبس گرفت.

احمدیان اما از پیشرفت هایی در اجرای این قانون نیز خبر داد: «در سال گذشته و پس از تصویب قانون جدید، چندین بار از سوی اجرای حکم به داخل زندان رفتند و از بچه هایی که تعدد حکم داشتند خواستند که با نوشتن نامه، عنوان کنند که شامل ماده ۱۳۴ می شوند تا پرونده به دادگاه بدوی رفته و محکومیت تعیین شود. بارها هم شایع شد که می خواهند همه را آزاد کنند. اتفاقی که هنوز رخ نداده اما یک ماه و نیم پیش که برای پیگیری به دادستانی رفتیم، خانم حسن پور،



دادیار دفتر قاضی خدابخشی گفت که بالاخره لیستی با کمتر از ۵۰ زندانی که تعدد حکم داشتند، تهیه شده و قرار است به همراه پرونده ی زندانیان به دادگاه های بدوی برود. این اتفاق تازه ای ست».

در صورت ارجاع پرونده ها، دادگاه بدوی موظف به تعیین محکومیت طبق اشد مجازات است تا سپس،

## آزاد نشدن زندانیانی که باید آزاد شوند



### آیدا قجر

بیش از ۱۸ ماه از تصویب قانون مجازات اسلامی جدید می گذرد که بر اثر آن شماری از زندانیان شامل آزادی یا تخفیف مجازات می شوند اما هنوز از اجرایی شدن برخی مواد آن خبری نیست. خانواده هایی که همواره پیگیر وضعیت زندانیان خود هستند نیز راه به جایی نبرده اند به طوری که «مشخصا رییس قوه ی قضاییه و معاون اول آن یعنی غلامحسین اژه ای از اجرایی شدن این قانون ممانعت به عمل آورده اند».

طبق ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی جدید، زندانیانی که با تعدد جرم مواجه هستند، صرفا باید اشد مجازات خود را بگذرانند. یعنی اگر یک زندانی با سه نوع اتهام به مدتی حبس محکوم شده باشد مجازاتی که در احکام وی آمده، مورد اجرا قرار می گیرد. این قانون اول اردیبهشت ۹۲ تصویب شد و در یازدهم همان ماه به تایید شورای نگهبان رسید و از طریق روزنامه های رسمی منتشر شد. طبق قوانین جمهوری اسلامی، هر قانونی با گذشت ۱۵ روز از تصویب و انتشار آن در رسانه ها، لازم الاجراست.

امین احمدیان، همسر بهاره هدایت در گفت و گو با «حقوق ما» با اشاره به تعدد حکم هایی که همسرش دریافت کرده، گفت که در صورت اجرایی شدن این قانون، بهاره هفت یا هشت ماه دیگر آزاد خواهد شد. به گفته ی احمدیان، ابهامات در این قانون باعث اجرایی نشدن آن شده اما رییس قوه قضاییه و آقای اژه ای، با مخالفت خود، از اجرای این قانون ممانعت به عمل آورده اند.

گفته می شود که تصویب قانون مجازات اسلامی جدید در راستای اجرایی کردن سیاست «زندان زدایی» است که سال ها در

کانون توجه مسوولان قوای سه گانه قرار داشته اما عمل کرد قوه ی قضاییه گویای آن است که اجرای قوانین در مورد زندانیان سیاسی و عقیدتی همواره با موانعی از سوی جمهوری اسلامی روبه رو شده است. احمدیان از برگزاری جلسات مختلف برای بررسی این قانون خبر داد: «سازمان حقوق بشر اسلامی توسط آقای ضیایی و با حضور افرادی چون دکتر هاشمی





شمار بالایی از محکومان، از اعدام رهایی خواهند یافت. این حکم پیش از ریاست‌جمهوری حسن روحانی به تصویب رسیده و تاکنون نیز اجرا نشده به طوری که از زمان آغاز دوره‌ی جدید ریاست‌جمهوری در ایران تا شانزدهم مهر ماه سال جاری بنا به آمار منتشر شده، ۱۲۵ نفر اعدام شدند که اتهام برخی از آن‌ها «محرابه» بوده است.

و خودتان می‌خورید، ما همان چیزی را که دوست داریم اعمال می‌کنیم. قاضی حتی ادامه داده بود که بروید زندان کنار همان حقوق‌دانی که دارید». علی سیف‌زاده با یادآوری این خاطره گفت که همچنان برخی از مواد قانونی در قوه‌ی قضاییه به شکل «سلیقه‌ای» به اجرا درمی‌آید: «ظاهراً زیاد هم مهم نیست که قانونی تصویب شده. کم و بیش تقلاها و حرکت‌هایی برای اعمال این قانون صورت گرفته ولی نه آن‌چنان که انتظار می‌رفت. حداقل در مورد زندانیان سیاسی و عقیدتی که نشده، شاید در مورد قاچاقچیان یا دزدها این قانون را اعمال کرده باشند». یکی دیگر از مواد بحث‌برانگیز در قانون مجازات جدید، ماده ۲۷۹ است. طبق این ماده تعریف جرم برای اتهام «محرابه» تغییر پیدا کرده است. برای نمونه بر اساس قانون پیشین مجازات اسلامی، هواداری از سازمان‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی می‌توانست حکم «محرابه» به دنبال داشته باشد. اما در قانون جدید، هواداری و عدم شرکت در اقدام‌های مسلحانه، نمی‌تواند حکم «محرابه» به دنبال داشته باشد. در صورت اجرایی شدن این قانون

او معتقد است که اجرای حکم، حضور خانواده‌های زندانیان را نمی‌پذیرد. آن‌ها عموماً برای پیگیری وضعیت زندانیان خود و درخواست ملاقات حضوری، مراجعه پزشکی یا دریافت مرخصی به دادستانی مراجعه می‌کنند: «ما اطلاعی نداریم. هیچ‌کدام از خانواده‌های زندانیان اطلاعی ندارند که اجرای این مواد قانونی جدید در چه مرحله‌ای است و چقدر زمان می‌برد تا اجرایی شود». فرزند سیف‌زاده به نقل از پدر خود تعریف کرد: «بابا به عنوان خاطره‌ای خنده‌دار این ماجرا را برای من تعریف کرد که عده‌ای از هم‌بندی‌های ایشان با اتهاماتی محکوم شده‌اند که در قانون جدید، آن مواد نسخ شده. قاعدتاً وقتی ماده‌ای نسخ می‌شود، افرادی که بر همان اساس محکوم شده‌اند باید آزاد شوند. پدر هم در زندان برای این عده از زندانیان هم‌بند با خودش، لایحه‌ای نوشت و قرار شد که آن‌ها در مراجعه به دادگاه مطرح کنند که با توجه به نسخ این ماده قانونی باید آزاد شوند. این زندانیان نیز به قاضی مراجعه کرده بودند اما قاضی در پاسخ‌شان گفته بود که این لایحه به درد همان حقوق‌دان خودتان

علیرضا جزینی قائم مقام دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر با اشاره به مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام مبنی بر تخفیف مجازات برای قاچاقچیان مواد مخدر گفت: با حذف مجازات اعدام برای قاچاقچیان مواد مخدر مخالف هستیم. برخی کشورها بدنال این مساله هستند که موضوع تخفیف مجازات برای قاچاقچیان مواد مخدر را در سازمان ملل مطرح کنند. ایرنا نوشت: **قائم مقام دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر** با اشاره به مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام مبنی بر تخفیف مجازات برای قاچاقچیان مواد مخدر گفت: با حذف مجازات اعدام برای قاچاقچیان مواد مخدر مخالف هستیم. برخی کشورها بدنال این مساله هستند که موضوع تخفیف مجازات برای قاچاقچیان مواد مخدر را در سازمان ملل مطرح کنند. ایجاد اصلاحات در زمینه تخفیف مجازات قاچاقچیان مواد مخدر در کشور نیز منوط به تجدید نظر در این رابطه توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام است.

#### ادامه از صفحه ۵

در این ماده تحولات مثبتی را نسبت به مقررات محاربه در قانون مجازات اسلامی سابق، شاهد هستیم. در ماده ی ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی سابق، محارب چنین تعریف شده بود: هرکس که برای ایجاد رعب، هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد محارب و مفسد فی‌الارض است. در موارد دیگر باب هفتم قانون مجازات گروه‌ها و تشکل‌هایی که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه کنند و افراد و گروه‌های هوادار آنان و نیز افراد یا گروهی که قصد کودتا داشته باشند محارب و مفسد فی‌الارض خوانده شده‌اند. با بررسی هر دو ماده استنباط می‌شود که قانون جدید «ایجاد ناامنی» را شرط تحقق جرم موصوف دانسته است. همچنین هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی‌شود. با توجه به سابقه‌ی تاریخی جرم محاربه در جمهوری اسلامی و این که اطلاق محارب در ادبیات سیاسی جمهوری اسلامی، بیشتر اعضاء و هواداران سازمان‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی مخالف را مد نظر داشته است، به احتمال قوی اقدامات سلیقه‌ای بعضی از قضات دادگاه‌های انقلاب را در زمینه‌ی استتکاف یا مانع تراشی از آزادی زندانیان سیاسی را شاهد خواهیم بود. قضاتی خود را دایر مدار قوانین و مقررات می‌پندارند.

نقشه همسر و فرزند خودش را ترک کند عمل او مشمول فعل واحد دارای نتایج متعدده است که برای او یک مجازات تعیین می‌شود. ولی در این قانون این عمل تعدد مادی فرض شده است. در تعدد مادی مختلف حکم قانون قدیم جمع مجازات‌ها بود و در قانون جدید در تعدد سه جرمی حداکثر همه مجازات‌ها در مقام حکم و حداکثر شدیدترین مجازات در مقام اجرای حکم است و در تعدد بالای سه جرمی حداکثر به علاوه تشدید در مقام حکم برای تمامی مجازات‌ها و اجرای شدیدترین در مقام اجرا است. با این وصف در صورت اعمال مقررات ماده‌ی فوق‌الاشاره، بعضی از زندانیان بایستی آزاد شوند بعضی دیگر از مدت حبس‌شان کاسته شده و بعضی دیگر که شرایط استفاده از مقررات آزادی مشروط را دارند می‌توانند متقاضی آزادی مشروط بشوند. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که این امر به طور مستقیم باعث کاهش آمار زندانیان خواهد شد. همچنین ماده ی ۲۷۹ قانون مذکور در تعریف و تعیین حدود و ثغور جرم محاربه، قانونی مساعد به حال متهمین و محکومان است. ماده‌ی ۲۷۹ مقرر می‌دارد: محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط شود. هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی‌شود.

## درخواست رسیدگی به وضعیت امید کوکبی از سوی دانشجویان



بیست و پنج تن از برندگان جایزه نوبل فیزیک به اطلاع رسیده، بیش از سه سال از زندانی شدن امید کوکبی فیزیکدان جوان ایرانی می گذرد. امید که در حال طی دکترای خود در دانشگاه تگزاس آستین بود، در مدت سفری کوتاه به ایران برای دیدار خانواده اش، در دی ماه ۱۳۸۹ بازداشت شد. وس از گذراندن ماه ها انفرادی، در داگاهی کوتاه در اردیبهشت ۱۳۹۲ امید به ده سال زندان محکوم شد. دادستان برای اتهامات «دریافت درآمد نامشروع» و «ارتباط با دولت های متخاصم» که به امید وارد کرد، به دریافت کمک مالی تحقیقاتی از دانشگاه دولتی تگزاس استناد کرده بود. لازم به ذکر نیست که هزاران دانشجوی ایرانی مشغول به تحصیل در خارج از ایران از جمله بسیاری از امضا کنندگان این نامه در طی تحصیلات خود این گونه کمک های مالی را دریافت کرده و می کنند.»

در بخش دیگری از نامه آمده است: «سلامت امید کوکبی در سه سالی که در زندان گذرانده به شدت آسیب دیده است. وی تا کنون چهار دندان خود راه دلیل بی توجهی مسوولان بهداشتی زندان اوین از دست داده و پنج بار با درد وحشتناک سنگ کلیه دست و پنجه نرم کرده است. وضعیت قلب و دستگاه گوارش وی نیز احتیاج به توجه سریع پزشکان متخصص دارد. با توجه به روال قضایی پرونده امید، سیستی اتهام های مطرح شده علی وی، نامه های او از زندان، و وضعیت فعلی وی، به نظر می رسد که محکومیت امید تا حدود به خاطر رد درخواست همکاری در پروژه های هسته ای» و گفته اند که «یکی از عواقب چنین برخوردهایی با متخصصان خارج از کشور، بی میلی این افراد به بازگشت و خدمت به کشور خواهد بود.»

۱۶۱ دانشجوی یا فارغ التحصیل دوره های دکترا در نامه خود برای آزادی امید کوکبی نوشته اند: «ما جمعی از دانشجویان و فارغ التحصیلان ایرانی دوره های دکترا، خواستار توجه سریع پزشکی به وضعیت سلامت این دانش پژوه ایرانی و همچنین رسیدگی به روند قضایی که منجر به زندانی شدن ناعادلانه امید شده است می باشیم. به باور ما جای امید نه در زندان بلکه در دانشگاه است.»

طیف گسترده ای دانشجویان دانشگاه های معتبر جهان و ایران از جمله دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه ام ای تی، دانشگاه پرینستون، دانشگاه جان هاپکینز، دانشگاه کلمبیای نیویورک این نامه را امضا کرده اند. در میان ۱۶۱ امضا کننده این نامه چندین تن از برندگان المپیادهای فیزیک، ریاضی، کامپیوتر و زیست شناسی دیده می شوند.

کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران نوشت: تن از دانشجویان و فارغ التحصیلان دوره های دکترا در نامه ای که برای دفاتر رهبر، رئیس جمهور، رئیس قوه قضاییه و رئیس مجلس ایران فرستاده شده از آنها خواستار «توجه سریع پزشکی به وضعیت سلامت» و «رسیدگی به روند قضایی» پرونده امید کوکبی شده اند. آنها در این نامه تصریح کرده اند که «محکومیت امید تا حدودی به خاطر رد درخواست همکاری در پروژه های هسته ای» و گفته اند که «یکی از عواقب چنین برخوردهایی با متخصصان خارج از کشور، بی میلی این افراد به بازگشت و خدمت به کشور خواهد بود.»

طی دو هفته گذشته با صدور رای دیوان عالی کشور، امیها برای اینکه حکم زندان ۱۰ امید کوکبی شکسته و او آزاد شود، تقویت شده بود از آنجا که نه تنها موضوع درخواست اعاده دادرسی پرونده پذیرفته شده بود، بلکه نشان داده بود که غیر از اعترافات تحت فشار از این نخبه ایرانی که او آنها را رد کرده است عملا هیچ شاهد و مدرکی برای متهم ساختنش در پرونده وجود ندارد. رای دیوان عالی در حالی صادر شد که در این رای از امید کوکبی به عنوان جوان «نخبه ایرانی» یاد شده است. نویسندگان نامه در بخشی از نامه آورده اند: «همان طور که در نامه

## اعتصاب غذای وکیل زندانی، مسعود شمس نژاد در زندان ارومیه



وارد شد. اولی عضویت در گروه پژاک بود که این اتهام مشمول مرور زمان شد. و اتهام دوم ایشان که بر اساس آن ایشان حکم چهار ماه زندان دریافت کرد، اقدام علیه امنیت ملی بود.»

مسعود شمس نژاد در تاریخ ۲۷ مهرماه سال ۹۳ برای اجرای حکمی که توسط شعبه ۲ دادگاه انقلاب ارومیه صادر و در شعبه ۱۰ دادگاه تجدید نظر استان آذربایجان غربی تایید شده بود، راهی زندان شد.

مرکز حامیان حقوق بشر نوشت: مسعود شمس نژاد، وکیل زندانی به همراه بیش از بیست زندانی سیاسی دیگر در زندان ارومیه دست به اعتصاب غذا زده اند. یکی از دلایل عنوان شده از سوی این وکیل در بند، بی توجهی به درخواست زندانیان سیاسی ارومیه برای داشتن بند مخصوص زندانیان سیاسی عنوان شده است.

عباس جمالی وکیل مسعود شمس نژاد در گفت و گو با مرکز حامیان حقوق بشر با تایید اینکه موکلش از روز چهارشنبه ۱۹ آذرماه در اعتصاب غذا به سر می برد، می گوید: «از طرف آقای شمس نژاد دو مورد به عنوان علت اعتصاب غذای ایشان مطرح شده، یکی همراهی با جمعی از زندانیان سیاسی دیگر این زندان برای داشتن بند مخصوص زندانیان سیاسی است و دلیل دیگر مورد شخصی ایشان است که دارای بیماری قلبی هستند و علاوه بر این آقای شمس نژاد در زندان هم یکبار زمین خورده و آسیب دیده است و به همین دلیل درخواست مرخصی برای معالجه در خارج از زندان داده، اما متأسفانه با درخواست ایشان تاکنون موافقت نشده است.»

عباس جمالی وکیل حقوق بشری آذربایجانی در مورد اتهامهایی که دلیل محکومیت مسعود شمس نژاد است، به مرکز حامیان حقوق بشر می گوید: «به آقای شمس نژاد دو اتهام

نامه جمعی از زندانیان اهل سنت زندان در آستانه روز جهانی حقوق بشر :

## در معرض خطر اعدامیم



### مادر آتنا دائمی: چرا ۲۰ روز پس از اتمام تحقیقات بچه ام هنوز باید در سلول انفرادی سپاه باشد

مرکز حامیان حقوق بشر نوشت: مسعود شمس نژاد، وکیل زندانی به همراه بیش از بیست زندانی سیاسی دیگر در زندان ارومیه دست به اعتصاب غذا زدند. یکی از دلایل عنوان شده از سوی این وکیل در بند، بی توجهی به درخواست زندانیان سیاسی ارومیه برای داشتن بند مخصوص زندانیان سیاسی عنوان شده است. عباس جمالی وکیل مسعود شمس نژاد در گفت و گو با مرکز حامیان حقوق بشر با تایید اینکه موکلش از روز چهارشنبه ۱۹ آذرماه در اعتصاب غذا به سر می برد، می گوید: «از طرف آقای شمس نژاد دو مورد به عنوان علت اعتصاب غذای ایشان مطرح شده، یکی همراهی با جمعی از زندانیان سیاسی دیگر این زندان برای داشتن بند مخصوص زندانیان سیاسی است و دلیل دیگر مورد شخصی ایشان است که دارای بیماری قلبی هستند و علاوه بر این آقای شمس نژاد در زندان هم یکبار زمین خورده و آسیب دیده است و به همین دلیل درخواست



مرخصی برای معالجه در خارج از زندان داده، اما متأسفانه با درخواست ایشان تاکنون موافقت نشده است.» عباس جمالی وکیل حقوق بشری آذربایجان در مورد اتهام‌هایی که دلیل محکومیت مسعود شمس نژاد است، به مرکز حامیان حقوق بشر می گوید: «به آقای شمس نژاد دو اتهام وارد شد. اولی عضویت در گروه پژاک بود که این اتهام مشمول مرور زمان شد. و اتهام دوم ایشان که بر اساس آن ایشان حکم چهار ماه زندان دریافت کرده، اقدام علیه امنیت ملی بود.» مسعود شمس نژاد در تاریخ ۲۷ مهرماه سال ۹۳ برای اجرای حکمی که توسط شعبه ۲ دادگاه انقلاب ارومیه صادر و در شعبه ۱۰ دادگاه تجدید نظر استان آذربایجان غربی تایید شده بود، راهی زندان شد.

۲۰ درصد جمعیت ایران را تشکیل می دهند که به لحاظ جمعیتی با سایر اقلیتها که گاهی کمتر از یک درصد جامعه ایران هستند، قابل مقایسه نیستند و از ابتدای انقلاب تاکنون نیز ظلمهای فراوانی بر این بزرگترین اقلیت کشور اعمال شده‌است اما این نقض مداوم و مستمر حقوق بشر در مورد آنها مورد توجه کافی قرار نگرفته و از این نظر با سایر اقلیتها قابل قیاس نیست . البته ما از توجه سازمانهای حقوق بشری و از جمله عفو بین الملل در مورد پرونده خود تشکر می کنیم اما انتظار داریم که همه نهادها به دور از تبعیضهای رایج در پی احقاق حقوق تمام محظومین در ایران باشند . متأسفانه در استانهای سنی نشین ایران جان انسانها کمترین ارزش را دارد و نه تنها فعالین عقیدتی و سیاسی به راحتی بازداشت و شکنجه و با احکام اعدام روبرو می شوند؛ حتی کولبرانی که فقط بخاطر فقر و برای کسب لقمه‌ای نان برای فرزندانشان اقدام به جابجایی کالا می کنند نیز براحتهی هدف گلوله مستقیم مرزبانان قرار گرفته و زخمی، نقص عضو و حتی کشته می شوند و کسی هم در قبال آنها احساس مسولیت نمی کند و متأسفانه توجه لازم به مظلومیت دینی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اهل سنت از سوی نهادهای حقوق بشری هم دیده نمی شود . و مواردی مانند اعتصاب غذای زندانیان زندان ارومیه برای بهره‌مندی از حداقل حقوق انسانی نیز با کم توجهی رسانه‌ها و نهادهای حقوق بشری مواجه می شود . به امید رخت بر بستن ظلم و جور از جهان و با اعلام همراهی و همدردی با مظلومان زندانی و آزاد، خواستار تحصیل حقوق مشروع هر فردی با رعایت عدالت هستیم .

دهم دسامبر که به عنوان روز جهانی حقوق بشر نام نهاده شده، برای جلب توجه جهانی به ضرورت بهبود حقوق بشر در جهان و دفاع از همه مظلومان و قربانیان حقوق بشر در سطح جهانی است . اما در عمل منافع باندی و گروهی و ناهماهنگی قربانیان حقوق از دسترفته در دسترسی به تریبونهای مختلف سبب شده است که شاهد بی عدالتی مضاعفی در این زمینه باشیم . توجه نهادهای حقوق بشری معمولاً بیشتر به فعالین مرکز نشینی است که از شهرت و دسترسی زیادی به رسانه‌های خبری و لابی‌های پشت پرده بهره مندند و یا اقلیتهایی که از پشتیبانی نهادهای جهانی برخوردارند، در نتیجه برخی از فعالین سیاسی و مدنی و اقلیتها بسیار مورد توجه قرار می گیرند و همزمان، نقض حقوق اولیه برخی دیگر از زندانیان مانند حق حیات توجه چندانی در بین این فعالین بر نمی انگیزد . به عنوان نمونه ما ۸۱ نفر از زندانیان عقیدتی اهل سنت در زندان رجایی شهر در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران بصورت غیرعلنی و نمایشی بدون بهره‌مندی از حقوق ابتدایی حتی حق اختیار وکیل مدافع محاکمه شدیم که ۴۰ نفر به اعدام و بقیه هم به زندانهای طولانی مدت محکوم شدیم . حکم اعدام ۱۴ نفر ما تاکنون تأیید شده و هر لحظه خطر اعدام آنها وجود دارد . ما با تقبل خطرات فراوان و پذیرش آزار و اذیت‌های مکرر و با پرداخت بهای سنگین توانستیم صدای مظلومانه گمنام خود را به بیرون از زندان برسانیم تا شاید این صدا شنیده شود و مورد حمایت نهادهای حقوق بشری داخلی و بین المللی قرار گیریم اما متأسفانه چنین نشده و حتی در گزارش آقای احمد شهید گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل فقط اشاره ای کوچک و گذرا به این موضوع شده‌است .